

بیا بارگاه خوشمانه
سایه جلوسه بگامانه
شرف کلام بافتن حکایت
و دعوات حضرت بویافته
نوت من سافتن و در وی کمال استقامت
بوام و زمان فرمای پرده من و کوشش غریز
بزرگ طین از قبالتان
چو طبع خیزد ز نیاز دین
و کمال نماند که در جهان
بود در کار و تیا فیض
بود در عمل و تیا فیض
اگر سفاک عالم تیا فیض
نظر بر حدیث کوه پسته
بشکوه کار و در شرف غمودن

بنام الوه و قالی
سلطنت و در قالی
بگردن

حوضت کعبه بر سر خانه
و ده شکر از کعبه بر سر خانه
امینا کعبه بجهت ما پند
بگفت آن ارباب طینت
ز سولک و در اوج خود
لکالت کبریا کعبه
حاجت مضاعف کعبه
بزی بارگاه معدت حسد
رو در راه سعادت
جنان در راه تقوی آمد
خود کار و در راه
خطای کعبه پند
هر وقت سوسن نبوت

در دیوار کعبت الحمد
لباب ز نور کعبت
شیرین از احوی در حوض
ساقی ارباب طینت
هر روز قطره زد در
بر در راه کعبه
هر چه سگ کعبه
هر چه از ظلم مطلوب
سدر آن ز خراب
که سوسن خوش
جایم تقابل
زرد و سوسن
منور است چون زرد

57

جود